

طرح «مناره» چیست و چه ایده‌ای برای حل مسأله هسته‌ای ایران دارد؟

طرح «مناره» که توسط محمد جواد ظریف و محسن بهاروند، معاون پیشین وزیر امور خارجه و سفیر ایران در بریتانیا، پیشنهاد شده، ابتکاری بلندپروازانه برای بازتعریف همکاری های هسته‌ای در خاورمیانه است. این طرح در مقاله‌ای در گاردین منتشر شده و پیشنهاد می دهد که یک مجمع منطقه‌ای تحت نظارت سازمان ملل متحد برای همکاری هسته‌ای غیرنظامی در خاورمیانه و شمال آفریقا ایجاد شود. هدف اصلی این مجمع، به اشتراک گذاشتن فناوری و مواد هسته‌ای، از جمله اورانیوم غنی شده، برای مقاصد صلح آمیز و تحت نظارت بین المللی است تا از این طریق، تهدید سلاح های هسته‌ای در منطقه کاهش یابد. طرح مناره پیشنهاد می دهد که کشورهای منطقه، از جمله ایران، بتوانند برنامه های هسته‌ای غیرنظامی خود را توسعه دهند، اما این توسعه تحت نظارت دقیق آژانس بین المللی انرژی اتمی (IAEA) و در چارچوبی منطقه‌ای انجام شود. ظریف تأکید دارد که این طرح می تواند مذاکرات هسته‌ای ایران با غرب را از تمرکز صرف بر برنامه هسته‌ای ایران به گفت وگویی گسترده‌تر درباره همکاری های منطقه‌ای تغییر دهد. او استدلال می کند که این رویکرد، با ایجاد شفافیت و اعتماد متقابل، می تواند به کاهش تنش ها در منطقه کمک کند و در عین حال، حق ایران برای غنی سازی اورانیوم به منظور مقاصد صلح آمیز را به رسمیت بشناسد. از منظر عملیاتی، طرح مناره شامل ایجاد یک نهاد منطقه‌ای است که در آن، کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا بتوانند فناوری هسته‌ای، دانش فنی، و مواد مورد نیاز برای برنامه های غیرنظامی را به اشتراک بگذارند. این نهاد تحت نظارت سازمان ملل و آژانس بین المللی انرژی اتمی فعالیت خواهد کرد و هدف آن، جلوگیری از رقابت تسلیحاتی هسته‌ای و تقویت همکاری های علمی و صنعتی است. ظریف معتقد است که این طرح می تواند به عنوان بستری برای اعتماد سازی عمل کند و به ویژه، با توجه به نگرانی های غرب درباره برنامه هسته‌ای ایران، زمینه‌ای برای بازرسی های بین المللی و شفافیت بیشتر فراهم آورد.

حل بحران هسته‌ای

طرح مناره محمد جواد ظریف، در بستر تاریخی و سیاسی کنونی، می تواند به عنوان ابتکاری خلاقانه برای تغییر گفتمان مذاکرات هسته‌ای ایران با غرب تلقی شود. این طرح، با تغییر تمرکز از برنامه هسته‌ای ایران به همکاری های منطقه‌ای، تلاش می کند تا مذاکرات را از حالت تقابلی به گفت وگویی سازنده تبدیل کند. از منظر نظری، این طرح را می توان در چارچوب تئوری دیپلماسی اعتماد سازی تحلیل کرد، که بر ایجاد شفافیت و همکاری متقابل برای کاهش بی اعتمادی تأکید دارد. ظریف، با پیشنهاد ایجاد مجمع منطقه‌ای تحت نظارت سازمان ملل، به دنبال ایجاد فضایی است که در آن، ایران بتواند برنامه هسته‌ای صلح آمیز خود را در چارچوبی بین المللی و با مشارکت کشورهای منطقه پیش ببرد. از منظر عملی نیز، طرح مناره می تواند به حل بحران هسته‌ای ایران با غرب از چند جهت کمک کند. نخست، این طرح با تأکید بر نظرات آژانس بین المللی انرژی اتمی، نگرانی های غرب درباره احتمال نظامی سازی برنامه هسته‌ای ایران را کاهش می دهد. دوم، با ایجاد بستری برای همکاری منطقه‌ای، می تواند اعتماد کشورهای عربی و حتی اسرائیل را به گفت وگو درباره مسائل هسته‌ای ترغیب کند، که این امر می تواند به کاهش تنش های منطقه‌ای منجر شود. سوم، طرح مناره می تواند به عنوان اهرمی برای مذاکرات با اروپا عمل کند، به ویژه در شرایطی که ایران از مذاکره مستقیم با آمریکا خودداری کرده و با کشورهای اروپایی (بریتانیا، فرانسه، و آلمان) در حال گفت وگو است. با این حال، چالش های متعددی پیش روی این طرح و وجود دارد. بی اعتمادی متقابل بین ایران و غرب، به ویژه پس از حملات نظامی اخیر آمریکا و اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای ایران، مانع اصلی اجرای این طرح است. علاوه بر این، مخالفت های داخلی در ایران، به ویژه از سوی جریان های اصولگرا که طرح را خوش بینانه و مغایر با استقلال ملی می دانند، می تواند مانع از اجماع داخلی برای پیشبرد این ابتکار شود. همچنین، عدم همراهی کشورهای منطقه، به ویژه اسرائیل که دارای زرادخانه هسته‌ای اعلام نشده است، اجرای طرح را دشوار می کند. از منظر تئوری واقع گرایی در روابط بین الملل، که بر منافع ملی و قدرت تأکید دارد، طرح مناره می تواند به عنوان تلاشی برای افزایش قدرت چانه زنی ایران در مذاکرات هسته‌ای دیده شود. ایران با این طرح، به دنبال به رسمیت شناختن حق خود برای غنی سازی اورانیوم و کاهش فشارهای بین المللی است. با این حال، این طرح فرصتی برای ایجاد نهاد های منطقه‌ای و تقویت دیپلماسی چند جانبه است.

چشم انداز موفقیت طرح

طرح مناره محمد جواد ظریف، تلاشی برای بازتعریف گفتمان هسته‌ای در خاورمیانه است که با هدف ایجاد هم کاری های صلح آمیز هسته‌ای و حرکت به سوی منطقه‌ای عاری از سلاح های هسته‌ای ارائه شده است. این طرح، با پیشنهاد تأسیس یک مجمع منطقه‌ای تحت نظارت سازمان ملل، می تواند به کاهش تنش ها و اعتماد سازی بین ایران و غرب کمک کند. بازناب این طرح در رسانه های انگلیسی زبان، از حمایت محتاطانه گاردین و بی بی سی تا بدبینی های موجود در رسانه های آمریکایی، نشان دهنده پیچیدگی های سیاسی این ابتکار است. در داخل ایران، رسانه های اصلاح طلب از این طرح حمایت کرده اند، اما اصولگرایان را خوش بینانه و حتی معیار با استقلال ملی می دانند.

«آرمان ملی» احتمال از سرگیری مذاکرات ایران و آمریکا را بررسی می کند

دیپلماسی در بی اعتمادی

بقایي: ایران از مذاکره گریزان نیست



جنگ ۱۲ روزه رخ داد نیاشیم؟ هر طرف تاجه میزان می تواند در این مذاکرات تاثیرگذار باشد و مذاکرات را به توافقی نزدیک کند؟ پاسخ به این پرسش ها است که می تواند تا حدی آینده مذاکرات ایران با آمریکا و تروینکای اروپا را شفافتر نشان دهد. دست کم مذاکره ها همان ابتدا فربیی بود برای خریدن زمان در جهت تدارک حمله به ایران، اما حال که جنگ ۱۲ روزه ایران با اسرائیل که البته حمایت سایر غربی ها از حمله آمریکا را نیز همراه داشت به پایان رسیده است باز هم غربی ها صدایشان در جهت از سرگیری مذاکرات با ایران بلند است. آمریکایی ها از سویی خواهان از سرگیری مذاکرات غیرمستقیم خود با ایران هستند و تروینکای اروپایی نیز از سوی دیگر به دنبال مذاکره با ایران در جهت رسیدن به یک توافق هستند. در حالی که ایران تاکنون صحبت از مذاکره را با هیچ یک از این طرفین تایید نکرده و موضع مشخصی را اعلام نموده که فعلا هیچ مذاکره ای در دستور کار نیست. البته نه اینکه ایران از مذاکره گریزان باشد؛ بلکه در این میان چند پرسش مطرح است که باید مشخص شود. نخست اینکه؛ طرف مقابل به هم چه میزان بدین مذاکره و رسیدن به توافق پایبند است؟ چه تعهد و تضمینی وجود دارد که دوباره در حین مذاکره اتفاق دیگری مثل آنچه در

جنگ ۱۲ روزه رخ داد نیاشیم؟ هر طرف تاجه میزان می تواند در این مذاکرات تاثیرگذار باشد و مذاکرات را به توافقی نزدیک کند؟ پاسخ به این پرسش ها است که می تواند تا حدی آینده مذاکرات ایران با آمریکا و تروینکای اروپا را شفافتر نشان دهد. دست کم مذاکره ها همان ابتدا فربیی بود برای خریدن زمان در جهت تدارک حمله به ایران، اما حال که جنگ ۱۲ روزه ایران با اسرائیل که البته حمایت سایر غربی ها از حمله آمریکا را نیز همراه داشت به پایان رسیده است باز هم غربی ها صدایشان در جهت از سرگیری مذاکرات با ایران بلند است. آمریکایی ها از سویی خواهان از سرگیری مذاکرات غیرمستقیم خود با ایران هستند و تروینکای اروپایی نیز از سوی دیگر به دنبال مذاکره با ایران در جهت رسیدن به یک توافق هستند. در حالی که ایران تاکنون صحبت از مذاکره را با هیچ یک از این طرفین تایید نکرده و موضع مشخصی را اعلام نموده که فعلا هیچ مذاکره ای در دستور کار نیست. البته نه اینکه ایران از مذاکره گریزان باشد؛ بلکه در این میان چند پرسش مطرح است که باید مشخص شود. نخست اینکه؛ طرف مقابل به هم چه میزان بدین مذاکره و رسیدن به توافق پایبند است؟ چه تعهد و تضمینی وجود دارد که دوباره در حین مذاکره اتفاق دیگری مثل آنچه در

اسماعیل گرامی مقدم در گفت وگو با «آرمان ملی»:

نباید در تغییرات دست به عصا بود

اصلاحات شاید حضور آقای لاریجانی به عنوان یک شخصیت منطفت و سیاسی است که موقعیت زمان و مکان را به خوبی می شناسد. فرد عملگرایی است و واقعیت های پیرامونی نیز واکنش های مثبتی به حضور ایشان خواهد داشت.

حضور لاریجانی به عنوان دبیر شورای عالی امنیت ملی چگونه می تواند به تغییر و تحولات دیگر در حکمرانی دامن بزند؟

من به رغم اختلاف نظرهایی که ممکن است با آقای لاریجانی داشته باشم معتقدم حضور ایشان در شورای امنیت ملی در شرایط کنونی مثبت و سازنده خواهد بود. از سوی دیگر موضوع استعفای آقای صدیقی از نماز جمعه تهران نیز وجود داشته که پس از حرف و حدیث های زیاد و البته با تأخیر صورت گرفته است. مسائلی که پیرامون ایشان پیشان بازداشت شده اند و به همین نظر قانونی نیز نزدیکان ایشان بازداشت شده اند و به همین دلیل بهتر بود که خیلی زود تر این اتفاق رخ می داد. از سوی دیگر شاید بتوان در شورای نگهبان هم چنین نگاهی داشت. این سوارد در سال های اخیر بسیاری از فرزندان آب و خاک دارد صلاحیت شده که از آئینده که همین افرادی که در صلاحیت شدند بیش از دیگران که مدعی بودند به صحنه آمدند و از تمامیت ارضی کشور دفاع کردند. انتظار دیگری که در شرایط کنونی وجود دارد این است که رئیس صداوسیما باید تغییر کند. امروز صداوسیما به محلی برای اجرای تفکرات یک جریان خاص تبدیل شده که از ظرفیت های جریان های سیاسی استفاده نمی کند. واقعیت این است که مردم از صداوسیما ناراضی هستند و این موضوع را می توان با یک نظرسنجی نیز مشخص کرد. نکته دیگر نارضایتی های اقتصادی است که روزه روز نیز در جامعه در حال افزایش است. باید برای وضعیت اقتصادی مردم نیز چاره اندیشی کرد.

مهم ترین مولفه برای بقای نظام رضایت مردم است. اگر کاری کنیم که این رضایت بیشتر شود پایگاه اجتماعی نظام تقویت می شود اما اگر به شکلی عمل کنیم که به نارضایتی ها دامن زده شود به مرور زمان این نارضایتی ها بروز و ظهور پیدا می کند. این وضعیت نیز به سود حاکمیت و مردم نخواهد بود. ما باید یک جامعه و حکومت قوی داشته باشیم تا به سمت پیشرفت و توسعه حرکت کنیم. در جنگ ۱۲ روزه جامعه باعث قوی تر شدن حکومت شد و به همین دلیل در شرایط پس از جنگ حکومت باید تلاش کند جامعه را قوی کند. هنگامی که حکومت تلاش کند نیازهای جامعه را برآورده کند جامعه به صورت طبیعی قوی خواهد شد. برخی از بحران های کنونی مانند بحران آب راه حل کوتاه مدت ندارد و کسی هم نمی تواند چنین مطالبه ای داشته باشد. با این وجود می تواند تصمیماتی گرفت که از نظر روانی در جامعه بازتاب مثبت داشته باشد. به عنوان مثال کسانی که درباره آنها شائبه فساد وجود دارد را عزل کرد و یا عدالت را در صداوسیما ایجاد کرد و یک فرد فراجناحی را به عنوان مدیر صداوسیما انتخاب کرد. از سوی دیگر می توان فیلترینگ را برداشت و یا زندانیان سیاسی را آزاد کرد. این اقدامات نیز نیاز به هزینه ندارد و بلکه می تواند باعث افزایش رضایت در بین مردم شود.

آیا ضرورت تحول درک شده است؟ با توجه به تغییراتی به وجود آمده به نظر می رسد ضرورت تغییرات به صورت نسبی

دارد. اما لازمه آن، ترک زیاده خواهی و بازگشت به منطق توافق است. سخنگوی وزارت امور خارجه اخیراً در نشست خبری خود گفته است: موضوع غنی سازی در داخل ایران جزء حق لاینفک ما طبق معاهده منع اشاعه است و هر طرحی که بتواند این حق را تأمین کند قابل بررسی است، « حال باید دید در پی سفر بازرسان به تهران روابط ایران و آژانس در دور جدید چگونه تعریف خواهد شد.

چیزی به نام اعتماد وجود ندارد

سخنگوی وزارت امور خارجه در خصوص آمادگی تهران برای از سرگیری مذاکرات هسته‌ای با آمریکا اظهار کرد: ما پیش تر در حال مذاکره بودیم و همان طور که عرض کردم، در میانه یک فرایند دیپلماتیک قرار داشتیم، اما طرف مقابل با رفتاری که از خود نشان داد، نه تنها اعتماد را از بین برد، بلکه آن را به بی اعتمادی فعال و منفی تبدیل کرد. در حال حاضر، به صراحت اعلام می‌کنم که چیزی به نام اعتماد اساساً وجود ندارد، چراکه آنان از فرایند دیپلماتیک سوءاستفاده و آن را به ابزار تاکتیکی خود برای حمله تبدیل کردند. اسماعیل بقائی در ادامه گفت: ما با این حال، همان‌گونه که همواره بر آن تأکید داشته‌ایم، جمهوری اسلامی ایران هیچ‌گاه میز مذاکرات را ترک نکرده است، چرا که ما با اطمینان راسخ و بدون کمترین تردیدی، به ماهیت صلح آمیز برنامه هسته‌ای خود باور و بر آن تأکید داریم. بقین داریم که این برنامه مشروع و قانونی بوده و تحت نظارت دقیق و مستمر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قرار دارد. سخنگوی دستگاه دیپلماسی بیان کرد: بیان کرد: در حال حاضر، مذاکراتی با یک کشور اروپایی (فرانسه، آلمان و بریتانیا) جریان دارد. چندی پیش دور دیگری از این گفت‌وگوها در شهر استانبول برگزار شد. بنابراین، ما نه از مذاکره گریزان هستیم، نه از گفت‌وگو هراس و او همه ای داریم؛ اما در عین حال، باید اطمینان حاصل شود که این مذاکرات به فرصتی برای اتلاف وقت تبدیل نخواهد شد. این گفت‌وگوها باید همدند و نتیجه‌محور باشند و اساس آن‌ها باید بر پایه اصل «برد- برد» باشد؛ اصلی که در سیه‌ایم، تمامی طرفین از فرایند و دستاوردهای مذاکره بهره‌مند و راضی باشند.

اسماعیل گرامی مقدم در گفت وگو با «آرمان ملی»:

نباید در تغییرات دست به عصا بود

درک شده است. با این وجود در این زمینه موانعی وجود دارد که اغلب این موانع نیز توسط تدرخوا صورت می گیرد. نکته مهمی که در این زمینه وجود دارد این است که اغلب تحلیلگران سیاسی بر این باور هستند که اگر این تغییرات رخ ندهد اتفاقات دیگری رخ خواهد داد. تدرخوا تنها دنبال منافع خود هستند و به همین دلیل توجیهاتی ارائه می‌کنند که تغییرات را کند می‌کند. من معتقدم نباید در انجام اصلاحات دست به عصا حرکت کرد.

رخ نداد این وضعیت می تواند در باره مهندس موسوی و دیگر زندانیان سیاسی هم صدق کند. از سوی دیگر باید شرایطی به وجود بیاید که ایرانیان خارج از کشور بتوانند به راحتی و بدون مشکل به کشور بازگردند. همه این اتفاقات می تواند به تغییر و تحولات در کشور کمک کند و شرایط را بهبود بخشد. کسانی که دنبال گذار از جمهوری اسلامی هستند از جمله کسانی هستند که اجداد آنها در گذشته جزو دیکتاتورها بوده و دیکتاتوری آنها باعث رقم خوردن انقلاب در ایران شد. تاریخ اینها را ثبت کرده و کسی نمی تواند آنها را فراموش کند. به همین دلیل نیز چنین افرادی نمی توانند مدعی دموکراسی باشند. همین که این افراد از محله اسرائیلی به ایران حمایت کردند پرونه آنها برای مردم ایران بسته شده است.

کشور علاوه بر تهدید خارجی با چالش های داخلی مانند بحران انرژی و مشکلات اقتصادی مواجه است و به همین دلیل گمانه زنی های (درباره اتفاقات احتمالی آینده رقم زده است. در چنین شرایطی چه چشم اندازی در کوتاه مدت برای کشور متصور هستید؟

مهم ترین مولفه برای بقای نظام رضایت مردم است. اگر کاری کنیم که این رضایت بیشتر شود پایگاه اجتماعی نظام تقویت می شود اما اگر به شکلی عمل کنیم که به نارضایتی ها دامن زده شود به مرور زمان این نارضایتی ها بروز و ظهور پیدا می کند. این وضعیت نیز به سود حاکمیت و مردم نخواهد بود. ما باید یک جامعه و حکومت قوی داشته باشیم تا به سمت پیشرفت و توسعه حرکت کنیم. در جنگ ۱۲ روزه جامعه باعث قوی تر شدن حکومت شد و به همین دلیل در شرایط پس از جنگ حکومت باید تلاش کند جامعه را قوی کند. هنگامی که حکومت تلاش کند نیازهای جامعه را برآورده کند جامعه به صورت طبیعی قوی خواهد شد. برخی از بحران های کنونی مانند بحران آب راه حل کوتاه مدت ندارد و کسی هم نمی تواند چنین مطالبه ای داشته باشد. با این وجود می تواند تصمیماتی گرفت که از نظر روانی در جامعه بازتاب مثبت داشته باشد. به عنوان مثال کسانی که درباره آنها شائبه فساد وجود دارد را عزل کرد و یا عدالت را در صداوسیما ایجاد کرد و یک فرد فراجناحی را به عنوان مدیر صداوسیما انتخاب کرد. از سوی دیگر می توان فیلترینگ را برداشت و یا زندانیان سیاسی را آزاد کرد. این اقدامات نیز نیاز به هزینه ندارد و بلکه می تواند باعث افزایش رضایت در بین مردم شود.

گزارش

«آرمان ملی» آخرین تحركات جنگی را تحلیل می کند

مسکو و واشینگتن در تدارک جنگ هسته‌ای؟

آرمان ملی- گروه سیاسی: روابط روسیه و آمریکا روندی را در پی دارد که گویی دوکشور در حال تکمیل کردن پازل جنگ هسته‌ای هستند و حالا با خروج روسیه از پیمان INF رفته رفته باید تئوری های جنگ را بررسی کنیم. در سال های اخیر، تحولات ژئوپلیتیکی و رقابت های فزاینده میان قدرت های هسته‌ای، به ویژه آمریکا و روسیه، بار دیگر نگرانی ها نسبت به امنیت بین المللی و چشم انداز استفاده از تسلیحات هسته‌ای را افزایش داده است. یکی از مهم ترین نقاط عطف در این روند، خروج رسمی روسیه از پیمان منع موشک های هسته‌ای میان برد (INF) در سال های اخیر است. باید به این مورد اشاره کنیم که پیمان INF که در سال ۱۹۸۷ میان آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی سابق منعقد شد، با هدف منع توسعه و استقرار موشک های بالستیک و کروز با برد ۵۰۰ تا ۵۵۰ کیلومتر در اروپا و سایر مناطق تدوین شده بود. با خروج آمریکا از این پیمان در سال ۲۰۱۹ و متعاقب آن، توقف پایبندی روسیه، یکی از مهم ترین ابزارهای مهار رقابت تسلیحاتی میان برد از بین رفت. این تحول عملا درهای توسعه و استقرار سامانه جدید موشکی را در هر دو کشور گشود. بعد از جدال لفظی بین دیمیتری مدودف، رئیس جمهور پیشین روسیه و دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا که به استقرار دو زیردریایی هسته‌ای در نزدیکی روسیه ختم شد، حالا روسیه اعلام کرده که دیگر محدودیتی برای استفاده از موشک های مختلف هسته‌ای خود را ندارد. در ادامه این گزارش به روند تسریع جنگ اشاره خواهیم کرد.

جدال رسانه‌ای روسیه- آمریکا

با توجه به اینکه کشورهای غربی همواره بر رفع چالش ها از راه دیپلماسی تأکید دارند ولی در عمل چیز دیگری را نشان می دهند. در این مورد روز گذشته دیمیتری مدودف، نایب رئیس شورای امنیت و رئیس جمهور پیشین روسیه، که حالا جنگ روانی علیه آمریکا را رهبری می کند کشورهای ناتو را مقصر لغو مهلت قانونی استقرار موشک های هسته‌ای کوتاه و میان برد دانست و اعلام کرد مسکو در پاسخ گام های بیشتری برخواهد داشت. مدودف که در شبکه های اجتماعی با دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا مشغول رد و بدل کردن پیام های تند و تیز است، این سخنان را پس از آن مطرح کرد که به وزارت خارجه روسیه اعلام کرد مسکو دیگر خود را متعهد به مهارت استقرار موشک های هسته‌ای کوتاه و میان برد نمی داند. او در پیامی در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «بیانیه وزارت خارجه روسیه درباره لغو مهلت استقرار موشک های میان برد کوتاه برد، نتیجه سیاست ضدروسه کشورهای ناتو است. این یک اقدام جدید است که همه دشمنان ما باید آن را در نظر بگیرند. منتظر اقدامات بعدی باشید.»

بعید اما محتمل

در سال های اخیر، کرملین و کاخ سفید به توسعه و نوسازی زرادخانه های هسته‌ای خود ادامه داده اند. آمریکا در چارچوب راهبرد مدرن سازی هسته‌ای، سرمایه گذاری کلانی در توسعه تسلیحات تاکتیکی و راهبردی انجام داده است. در مقابل، روسیه نیز موشک های مافوق صوت، سامانه های موشکی پیشرفته و قابلیت های پرتاب زیرآبی و زمینی خود را ارتقا داده است. با وجود تشدید رقابت های راهبردی، احتمال بروز جنگ هسته‌ای تمام عیار در شرایط فعلی همچنان پایین ارزیابی می شود. با این حال، احتمال اشتباه محاسباتی، حمله سایبری به سامانه های هشدار دهنده، یا تشدید تنش ها در مناطق پرمنافشه مانند شرق اروپا یا قطب شمال می تواند به افزایش خطر دیگری ناخواسته منجر شوند. باید به این مورد هم اشاره کنیم که اگرچه رقابت تسلیحاتی میان آمریکا و روسیه وارد هر مرحله ای تازه شده است و چشم انداز ثبات راهبردی تضعیف شده، اما وقوع جنگ هسته‌ای به عنوان سناریویی بعید باقی می ماند؛ هرچند افزایش سطح تنش، بی ثباتی سیاسی جهانی و تضعیف رژیم های کنترل تسلیحات، همچنان چالش هایی جدی برای آینده امنیت بین الملل محسوب می شوند.

آخرین تهدید هسته‌ای آمریکا

در همین مورد به ادبیات تهدید آمیز دونالد ترامپ اشاره خواهیم کرد که همچنان بر استفاده از زیردریایی های هسته‌ای تأکید دارد. رئیس جمهور آمریکا درباره زیردریایی هایی که پیش از این پس از اظهارات ر دیمیتری مدودف، معاون امنیت ملی روسیه دستور تغییر مسیر آنها را داده بود، گفت: «آنها در منطقه هستند. او در حال بازگشت از تفرجگاه گلف خود در نیو جرسی، در پاسخ به سوالی درباره محل زیردریایی ها، به خبرنگاران گفت: «آنها در منطقه هستند، بله، جایی که باید باشند.»

اروپا و مسکو در یک قدمی جنگ

بی شک اگر قرار باشد جنگی بین روسیه و آمریکا در بگیرد کشورهای اروپایی که اکثریت عضو ناتو هستند در خط مقدم قرار می گیرند. پس از آغاز تهاجم نظامی روسیه به اوکراین در زمستان سال ۲۰۲۲، روابط میان روسیه و کشورهای اروپایی وارد مرحله ای تنش آلود شد. این روند موجب بازتعریف سیاست های امنیتی اروپا، افزایش سطح آمادگی نظامی ناتو، و تداوم فضای بی اعتمادی میان طرفین گردیده است. اتحادیه اروپا و کشورهای عضو ناتو با محکوم کردن اقدامات روسیه، تحریم های گسترده اقتصادی، مالی و فناوری علیه مسکو اعمال کردند که به تشدید اختلافات انجامید. در مقابل، روسیه نیز ضمن متهم کردن غرب به مداخله جویی و گسترش ناتو به سمت شرق، تهدیدهای مستقیم و غیرمستقیم نظامی، از جمله رزمایش های استراتژیک، انتقال تسلیحات هسته‌ای تاکتیکی به خاک بلاروس، و تقویت حضور نظامی در مرزهای غربی خود را در دستور کار قرار داد. باید به این مورد هم اشاره کنیم که کشورهای اروپایی به طور فزاینده ای در حال افزایش بودجه های دفاعی، تقویت زیرساخت های نظامی، و مشارکت در برنامه های بازدارندگی مشترک ناتو هستند. در همین حال، گفتمان روسیه نیز با بلانچی تهدید آمیزتر همراه شده و بارها به امکان گسترش درگیری به سایر مناطق، به ویژه در صورت ادامه حمایت تسلیحاتی غرب از اوکراین، اشاره کرده است. از سوی دیگر، برخی مقامات اروپایی نیز از احتمال بروز تقابل مستقیم با روسیه در سال های آینده هشدار داده اند، اگرچه هنوز تلاش هایی برای حفظ کانال های دیپلماتیک و جلوگیری از گسترش جنگ ادامه دارد.